

زندگی و مرگ را درون فرهنگ معنا می‌کنند و ارزش های حاکم بر زندگی را مشخص می‌سازند. فرهنگ غرب با انکار حقایق قدسی به آرمان های انقلاب فرانسه نرسید. اصالت بخشیدن به انسان دنیوی و این جهانی در طول قرن بیستم به پوچ‌گرایی «تیهیلیسم»، یأس و ناامیدی و به مرگ آرمان‌ها و امیدها منجر شد.



روشنگری مدرن نیز که مدعی کشف حقایق جهان بود، به مرداب شکاکیت و انکار حقیقت گرفتار شد. بدین ترتیب، در پایان قرن بیستم جهان غرب از دوستمین سالگرد انقلاب فرانسه، با سکوتی معنادار، عبور کرد. گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی پیامدهای اجتماعی مختلفی داشت، از آن جمله:

الف: برخی از نخبگان جهان غرب را در جست‌وجوی سنت‌های قدسی و دینی فعال ساخت.

ب: مهاجران ساکن کشورهای غربی را که طی قرن بیستم اغلب مقهور فرهنگ مدرن شده بودند، به سوی هویت دینی خود فراخواند.

ج: هنگامی که سگه‌ای اعتبار پیدا می‌کند، بدل‌سازی آن رواج می‌یابد. به همین دلیل افول سکولاریسم و اقبال به معنویت، بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را برای غارت میراث درهم ریخته روشنگری مدرن رونق بخشید. خرافه پرستی، شیطان پرستی، و انواع بازسازی شده ادیان و عرفان‌های شرقی و سرخ‌پوستی، نمونه‌هایی از این جریان‌اند. گریز از سکولاریسم در جوامع غیرغربی اغلب به صورت بازگشت به هویت فرهنگی و تاریخی آن جوامع ظاهر شد. این جریان در جهان اسلام، بیداری اسلامی را تحقق بخشید

درباره اجلاس هزاره ادیان در آغاز قرن ۲۱ در سازمان ملل، گفت‌وگو کنید. چرا نشست‌های مشابه آن، طی قرن بیستم اتفاق نیفتاد؟





پسا سکولاریسم ،

.....

.....



افول سکولاریسم در غرب پیامدهای اجتماعی مختلفی داشته است..

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

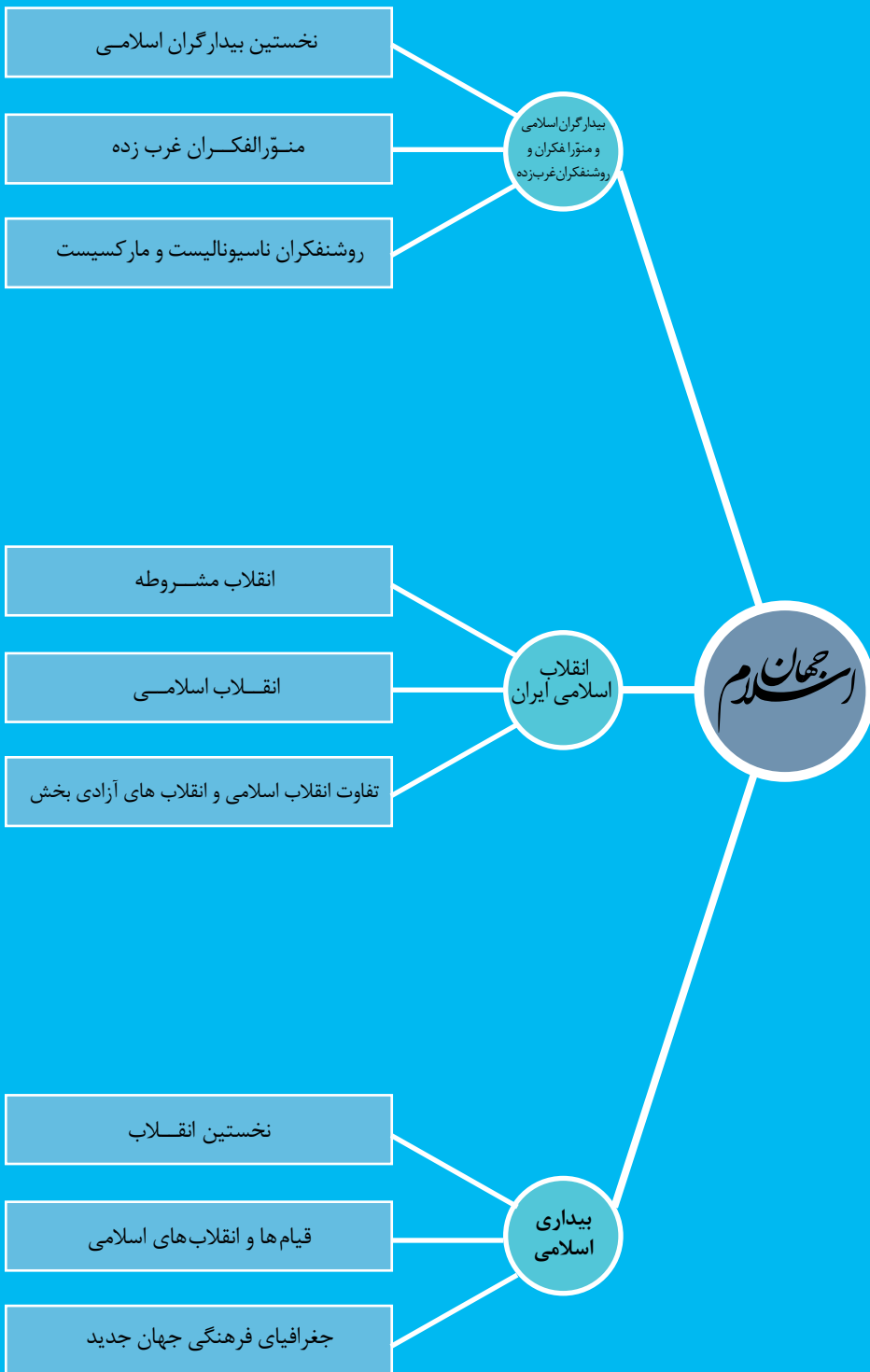


فصل چہارم

● فصل چهارم ● جهان اسلام ●

○ انتظار می‌رود در پایان این فصل، دانش آموز:

۱. ویژگی‌های نخستین بیدارگران اسلامی را بشناسد.
۲. چگونگی پیدایش جریان‌های منورالفکری و روشنفکری را در جهان اسلام تشریح بکند.
۳. تفاوت‌های مبارزاتی «مقاومت منفی» و «رقابت آمیز» را بشناسد.
۴. تفاوت انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی را توضیح دهد.
۵. تفاوت‌ها و شباهت‌های انقلاب اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم را تشخیص دهد.
۶. انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فرانسه را به عنوان سرآغاز شکل‌گیری جهان‌های توحیدی و سکولار باز شناسد.
۷. چگونگی مواجهه جهان غرب با جنبش‌های بیداری اسلامی را توضیح دهد.
۸. تنگناها و فراخناهای پیش‌روی جنبش‌های بیداری اسلامی را تحلیل کند.
۹. نسبت به سرنوشت جنبش‌های بیداری اسلامی احساس‌تعلق کند.



بیدارگران اسلامی و منورالفکران و روشنفکران غرب زده



○ نخستین بیدارگران اسلامی

اولین بیدارگران جهان اسلام چه کسانی بودند و چه ویژگی هایی داشتند؛ آشنایی آنان نسبت به فرهنگ غرب چه مقدار بود؟

نخستین رویارویی های غرب متجدد با جهان اسلام هنگامی رخ داد که قدرت های سیاسی جهان اسلام، با آنکه از مفاهیم دینی و اسلامی پوشش می گرفتند، در چارچوب مناسبات پادشاهی و امپراطوری های قومی و قبیله ای عمل می کردند. اندیشمندان و عالمان دینی، اغلب بر اساس ضرورت حفظ امنیت با آن ها تعامل می کردند.

«فقاہت» و «عدالت» دو مفهوم برتر فرهنگ اسلامی، اغلب در حاشیة مناسبات قدرت های قومی، مهجور و ناتوان باقی مانده بود. دولت های کشورهای مسلمان نیز به موازات دوری از سنن دینی و اسلامی، آسیب پذیری بیشتری در برابر کشورهای غربی پیدا می کردند.

قدرت نظامی، نفوذ سیاسی - اقتصادی و جاذبه های این جهانی و دنیوی کشورهای غربی، دولتمردان و رجال سیاسی جوامع اسلامی را از یکسو مرعوب و از سوی دیگر،



آیت الله میرزای شیرازی و حکم تحریم تنباکو

شیفتهٔ فرهنگ غرب می‌کرد و این مسئله عزّت و استقلال کشورهای اسلامی را به ضعف می‌کشاند.

نخستین بیدارگران اسلامی کسانی بودند که به خطر جوامع غربی و خطر شیوه‌ای که دولت‌های اسلامی در برابر آنان داشتند توجه کردند و حرکت‌ها و جنبش‌هایی را نیز در مقابل غرب به وجود آوردند.

حضور فعال عالمان دینی در مقابله با دولت تزاری روسیه و تدوین رساله‌های جهادیّه آنان، حرکت اصلاحی امیرکبیر، حکم میرزای شیرازی در جنبش تنباکو، نمونه‌هایی از نخستین حرکت‌های بیدارگران اسلامی درون ایران است. اقدامات سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او در کشورهای اسلامی بخشی از بیداری اسلامی در سطح جهان اسلام



مدرسه دارالفنون

است. مهم‌ترین ویژگی‌های نخستین بیدارگران عبارت‌اند از:

- ۱. متوجه خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی بودند و استقلال اقتصادی و

سیاسی جوامع مسلمان را می‌خواستند.

● ۲. اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی را دنبال می‌کردند،

● ۳. راه نجات امت اسلامی را بازگشت به اسلام و عمل به آن می‌دانستند،

● ۴. بسیاری از آنان اتحاد ملل اسلامی، وحدت امت اسلامی یا تشکیل قدرت واحد

اسلامی و عزت جهان اسلام را دنبال می‌کردند و قومیت‌های مختلف را در متن امت واحد اسلامی به رسمیت می‌شناختند.

بیدارگران نخستین، به رغم رویکرد اعتراض آمیز به غرب آشنایی عمیق با فرهنگ غربی نداشتند و خطر غرب را بیشتر در رفتار سیاسی و اقتصادی آن می‌دیدند. آنان به دوری مسلمانان از عمل به سنن اسلامی آگاه بودند و همین امر را عامل ضعف جوامع اسلامی می‌دانستند. برخی از آنان قوت و قدرت جوامع غربی را نتیجه عمل کردن آن جوامع به دستورات اسلام می‌دانستند، بسیاری از آنان به ابعاد این جهانی و دنیوی فرهنگ جدید غرب آگاهی کافی نداشتند.

محمد عبده شاگرد سیدجمال الدین اسدآبادی در مصر است و این سخن منسوب به اوست: در شرق مسلمانان را دیدم و اسلام را ندیدم و در غرب اسلام را دیدم و مسلمانان را ندیدم. این عبارت را تحلیل کنید و نظر خود را درباره آن بیان کنید.



جریان اجتماعی دیگری که در کنار جریان نخستین بیدارگران شکل گرفت، کدام است و ویژگی‌های آن چیست؟

با نفوذ دولت‌های غربی در کشورهای اسلامی و شکل‌گیری استعمار، به موازات نخستین بیدارگران اسلامی، گروه دیگری در جوامع اسلامی پیدا شدند که شیفته جوامع غربی بودند. این گروه نیز که بیشتر در لژهای فراماسونری سازمان می‌یافتند، خود را بیدارگر می‌دانستند و بیداری را در عبور از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی معنا می‌کردند. آنان در ایران، اومانیسم را به آدمیت و روشنگری مدرن را به منورالفکری ترجمه می‌کردند و به همین دلیل خود را منورالفکر می‌خواندند. لژ آدمیت و لژ بیداری ایرانیان از نخستین لژهایی بود که در ایران تأسیس کردند.

ویژگی‌های منورالفکران غربزده عبارت‌اند از:

- ۱. نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند؛ بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را یک فرصت می‌دانستند.
- ۲. مانند گروه قبل، خواستار اصلاح رفتار دولت‌های کشورهای مسلمان بودند.
- ۳. برخلاف نخستین بیدارگران اسلامی، اصلاح را در بازگشت به اسلام نمی‌دانستند؛ بلکه اصلاح را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند.
- ۴. مفهوم امت و ملت اسلامی برای منورالفکران مفهومی بی‌معنا یا منفور بود و در مقابل آن، به ناسیونالیسم که اندیشه سیاسی قوم‌گرایانه غرب متجدد بود روی می‌آوردند. آنان در ایران، ناسیونالیسم را به ملی‌گرایی و در کشورهای دیگر به شعوبیت و قومیت ترجمه کردند.

اندیشه سیاسی ناسیونالیستی در حرکت افراطی و استعماری خود با عبور از دوره اسلامی و رجوع به دوران پیش از اسلام برای هر یک از دولت‌های تازه تأسیس که بعد از دخالت استعمار در مناطق اسلامی ایجاد شده بود، شناسنامه‌ای ویژه تدوین می‌کرد. این عمل به قصد هویت‌سازی برای دولت‌هایی انجام می‌شد که به اقتضای عملکرد



آتاتورک



امان الله خان



رضاخان

استعماری جهان غرب پدید آمده بودند و برای رسیدن به این هدف از مستشرقان و تاریخ نگاران غربی کمک گرفته می شد.

منورالفکران غرب زده مورد حمایت دولت های استعمارگر بودند و دولت های استعمارگر غربی به کمک آنان توانستند از موفقیت حرکت ها و جنبش هایی که توسط نخستین بیدارگران اسلامی در حال شکل گیری بود، جلوگیری کنند.

منورالفکران غرب زده که در قدم های نخست از ضرورت اصلاحات در دولت های کشورهای خود سخن می گفتند در نهایت با حمایت و دخالت کشورهای غربی توانستند حکومت های سکولار را در جوامع خود تشکیل دهند.

قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان ریشه در باورها و اعتقادات و پیشینه تاریخی این کشورها نداشت. قدرت آنها وابسته به قدرت جهانی استعمار بود. آنان با اتکا به این قدرت، در جهت از بین بردن مظاهر دینی و اسلامی و حذف ساختارهای اجتماعی پیشین و ایجاد ساختارهای اجتماعی استعماری جدید اقدام می کردند.

رضاخان در ایران، آتاتورک در ترکیه، امان الله خان در افغانستان، سه نمونه از قدرت های سکولاری اند که آرمان های منورالفکران غرب زده را با حمایت و قدرت دولت های غربی دنبال می کردند.



محمدعلی فروغی

دربارهٔ فعالیت‌های اسلام ستیزانهٔ رضاخان و چهره‌های منورالفکری که در کابینه‌های او حضور داشتند، مطالعه کنید.



ویژگی‌های نخستین بیدارگران اسلامی را در مقایسه با منورالفکران غرب زده بیان کنید.



○ روشن‌فکران ناسیونالیست و مارکسیست

حرکت‌های روشن‌فکری چپ در کشورهای اسلامی چگونه و در چه زمانی شکل گرفت؟ این حرکت‌ها در جهان دو قطبی قرن بیستم چه جایگاهی داشتند؟

رهاورد حکومت منورالفکران غرب زده در کشورهای اسلامی، استبداد استعماری است. آنان به دلیل وابستگی به کشورهای استعمارگر، استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی را مخدوش می‌سازند و مقاومت‌های مردمی برای حفظ هویت اسلامی خود را نیز سرکوب می‌کنند.

در هم ریختن نظم پیشین به بهانهٔ رسیدن به جایگاه کشورهای غربی انجام می‌شود، اما در عمل به جای رسیدن و نزدیک شدن به کشورهای غربی، خصوصیات کشورهای پیرامونی و استعمارزده را پیدا می‌کنند و این مسئله اعتراض برخی از نخبگان این کشورها را که به شاخص‌های دولت‌های غربی چشم دوخته‌اند، به وجود می‌آورد.

شکل‌گیری جریان‌های چپ در کشورهای اروپایی نیز به نوبهٔ خود، بازتاب‌هایی در ذهنیت غربزدگان کشورهای اسلامی پدید می‌آورد و بدین ترتیب، نسل دومی از غربزدگان در این کشورها به وجود می‌آید که با اعتراض به حرکت‌های سیاسی نسل اول می‌نگرند، این نسل با عنوان روشن‌فکران چپ کشورهای اسلامی شناخته می‌شوند. اعتراض روشن‌فکران چپ به نسل اول، از جهت گریز آنان از بنیان‌های فکری اسلامی یا اسلام ستیزی آنان نیست؛ بلکه از نوع اعتراضاتی است که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل گرفت.

روشن‌فکران چپ، حرکت‌های خود را در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی،

را به صورت مکاتب الحادی آشکار مطرح می‌کردند و برخی دیگر از رویارویی مستقیم با اندیشه و باور دینی مردم خودداری می‌کردند؛ بلکه گاه نیز اندیشه‌های خود را در پوشش های دینی بیان می‌داشتند. به این ترتیب، نوعی روشنفکری التقاطی چپ در کشورهای اسلامی پدید آمد. حرکت‌های اعتراض آمیز روشنفکران چپ کشورهای مسلمان در دنیای دو قطبی قرن بیستم، اغلب در سایه حمایت‌های بلوک شرق قرار می‌گرفت. برخی از این حرکت‌ها توانستند از طریق کودتاهایی که مورد حمایت بلوک شرق بود، به قدرت برسند. بدین ترتیب، کشورهای مسلمان، طی قرن بیستم به دو بخش تقسیم شدند؛ بعضی از آنها در حاشیه بلوک شرق و بعضی دیگر در حاشیه بلوک غرب قرار می‌گرفتند. جمال عبدالناصر در مصر با کمک نهر و هند و تیتو در یوگسلاوی به تشکیل کشورهای غیر متعهد نیز اقدام کرد. تا هنگام فروپاشی بلوک شرق، روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی جاذبه داشتند. این جریان حتی در کشورهایی که زیر نفوذ غرب سرمایه‌داری قرار داشتند به عنوان یک جریان اجتماعی تاثیرگذار همچنان حضور داشت. با فروپاشی بلوک شرق و از بین رفتن جاذبه‌های روشنفکری چپ در سطح جهانی، این جریان در کشورهای اسلامی نیز جاذبه خود را از دست داد و غریب‌دگان این جوامع، دیگر بار در حاشیه اندیشه‌های لیبرالیستی غربی قرار گرفتند.

درباره نمونه‌هایی از جریان‌های ناسیونالیستی و مارکسیستی در ایران مطالعه کنید.



وجوه اشتراک و افتراق منورالفکران و روشنفکران غرب زده را بیان کنید.



مارشال تیتو، احمد سوکارنو، جمال عبدالناصر، قوام نکرومه، جواهر لعل نهر و



بیدارگران اسلامی ،
.....
.....



نخستین بیدارگران اسلامی به خطر جوامع غربی و خطر شیوه ای که دولت های اسلامی در برابر آنان داشتند توجه کردند.
.....
.....
.....



.....
.....
.....
.....

انقلاب اسلامی ایران



○ انقلاب مشروطه

نخستین بیدارگران مسلمان، در ایران چه اقداماتی انجام دادند؟ جنبش تنباکو و جنبش عدالتخانه چگونه شکل گرفت و چرا جنبش اجتماعی آنها متوقف شد؟

نخستین بیدارگران اسلامی در ایران، جنبش‌هایی را برای اصلاح رفتار و ساختار حکومت قاجار به وجود می‌آوردند. دولت قاجار با شمشیر ایل قاجار به قدرت رسیده بود و عالمان شیعی تعامل خود را با آنها بر مدار مقاومت منفی سازمان می‌دادند. در مقاومت‌های منفی، حاکمیت پادشاه، ظالمانه و غیر مشروع دانسته می‌شود و همکاری سیاسی با آن، جز در حدّ واجبات نظامیه انجام نمی‌شود. مراد از واجبات نظامیه اموری است که برای بقای اصل زندگی اجتماعی لازم است؛ مانند حفظ امنیت یا مقابله با دشمنان خارجی. هنگامی که دولتمردان قاجار به دلیل اثرپذیری از دولت‌های استعماری به جای مقاومت در برابر بیگانگان به سوی قراردادهای استعماری قدم برداشتند، مقاومت منفی به سوی فعالیت رقابت‌آمیز تغییر کرد. مراد از فعالیت رقابت‌آمیز، ورود فعال در عرصه زندگی

اجتماعی و سیاسی، نه در جهت حمایت و تأیید قدرت حاکم، بلکه در رقابت با آن است. حرکت رقابت آمیز عالمان در دوران قاجار، حرکت اصلاحی بود؛ یعنی تلاش می کردند تا برخی از رفتارهای پادشاه قاجار را اصلاح نمایند. جنبش تنباکو نمونه ای از فعالیت رقابت آمیز اصلاحی است.

تجربه موفق جنبش تنباکو، فعالیت رقابت آمیز را از اصلاح رفتار به سوی اصلاح ساختار برد و این مسئله به جنبش عدالتخانه منجر شد.

در جنبش عدالتخانه، هدف تنها اصلاح کار یا رفتار خاصی از پادشاه نبود؛ بلکه اصلاح شیوه زمامداری پادشاه بود. این جنبش با توجه به شرایط داخلی و خارجی در پی تأسیس مجلسی بود که قوانین عادلانه را تدوین کند و شاه را ملزم سازد تا در چارچوب قوانین عادلانه الهی عمل کند.

این حرکت، حاکمیت را از مدار استبداد به مدار عدالت منتقل می ساخت و البته در فقه اجتماعی و سیاسی تشیع این نوع حاکمیت نیز حاکمیت مطلوب و آرمانی نبود؛ بلکه حاکمیتی بود که فساد آن از استبداد کمتر بود. به همین دلیل در شرایطی که تحقق حاکمیت آرمانی مشروع امکان نداشت، برای کنترل ظلم، عمل به آن مشروع بود.

جنبش عدالتخانه از آن جهت که ساختار نظام سیاسی جامعه را تغییر می داد، یک انقلاب اجتماعی بود.

با اوجگیری جنبش عدالتخانه، منورالفرکان غرب زده به آن پیوستند و در تحصّنی که

نمایندگان مجلس در دوره قاجار





کلنل لیاخوف



مجلس، پس از به توپ بسته شدن توسط لیاخوف

در سفارتخانه انگلستان رخ داد، نام مشروطه را برای آن برگزیدند. عالمان مسلمان نیز ضمن استقبال از همراهی منورالفکران این نام را پذیرفتند و مراد آنان از مشروطه، مشروط کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی بود؛ اما مراد منورالفکران از مشروطه نوعی از حاکمیت سکولار، نظیر حاکمیت دولت انگلستان بود. در مشروطه منورالفکران، مجلس، محلی نبود که در آن، قوانین بر مدار احکام شریعت تنظیم شود؛ بلکه محلی بود که در آن، قوانین بر مدار اراده و خواست بشر شکل می‌گرفت. در جریان انقلاب مشروطه، رقابتی

سخت بین بیدارگران اسلامی و منورالفکران غرب زده به وجود آمد. پس از دو دهه کشمکش، این نزاع با حضور قدرت‌های استعماری و دخالت انگلستان به نفع جریان منورالفکران پایان



متحمنین در سفارت انگلیس

پذیرفت و حاکمیت منورالفکران به استبداد استعماری رضاخان ختم شد.

انقلاب اسلامی ایران چگونه به وجود آمد و چه تفاوتی با انقلاب مشروطه داشت؟

رهبران دینی مشروطه بعد از شکستی که در مشروطه خوردند، از موضع فعالیت رقابت آمیز به موضع مقاومت منفی بازگشتند و این موضع در مرجعیت شیعه تا شروع انقلاب اسلامی ادامه یافت.

انقلاب اسلامی ایران بعد از گذشت بیش از هفتاد سال از انقلاب مشروطه و گذشت بیش از نیم قرن حاکمیت دولت پهلوی رخ داد. امام خمینی، انقلاب را هنگامی آغاز کرد که شاه در قطب بندی سیاسی بلوک شرق و غرب، در حاشیه دولت های غربی در جایگاهی امن قرار گرفته بود و مأموریت حفظ امنیت منطقه را نیز برعهده داشت. روشنفکران چپ نیز از صحنه رقابت های سیاسی داخلی کشور حذف شده بودند.

امام خمینی به عنوان یک مرجع دینی، عملکرد مردم را از موضع مقاومت منفی به فعالیت رقابت آمیز تغییر داد.



این فعالیت رقابت آمیز گرچه ابتدا در برابر کاپیتولاسیون، و رفتار استعماری شاه آغاز شد، ولی در حدّ یک حرکت اصلاحی رفتاری یا ساختاری متوقف نشد و به صورت یک حرکت انقلابی در آمد که حذف نظام شاهنشاهی و تحقق حکومت اسلامی را دنبال می‌کرد.



حاکمیت آرمانی دینی، در اندیشهٔ اجتماعی و سیاسی شیعی، حاکمیت الهی است که به وسیلهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تحقق پیدا می‌کند و در زمان غیبت امام علیه السلام این حاکمیت با نصب عام الهی به فقاهت و عدالت منتقل می‌شود؛ یعنی اجرای روشمند احکام الهی، وظیفهٔ کسانی می‌شود که هم آگاه و عالم به احکام و شرایط اجرای احکام می‌باشند و هم به آگاهی خود عامل باشند. مشکل عدالتخانه این بود که رفتار عادلانه را بر کسانی تحمیل می‌کرد که با معیارهای الهی به قدرت نرسیده بودند. کسانی که قدرت را با شمشیر قوم و عشیره یا با حمایت دولت های استعمارگر به دست آورده بودند و عالم به عدالت نبوده و عمل به عدالت نیز به مقدار کافی در شخصیت آنها نهادینه نشده بود. به همین دلیل، در اندیشهٔ اجتماعی و سیاسی تشیع، مشروطه یک نظام آرمانی و به حسب ذات خود مشروع نبود؛ بلکه نظامی بود که در شرایط ناتوانی از برقراری حاکمیت آرمانی در قیاس با نظام استبدادی اولویت و برتری پیدا می‌کرد.

انقلاب اسلامی ایران، بازگشت مردم ایران به حرکت ناتمامی بود که در مشروطه آغاز کرده بودند. این بازگشت با هزینهٔ نزدیک به صد سال تجربهٔ تاریخی انجام می‌شد؛ تجربهٔ

رقابت با منورالفکران غرب زده، تجربه استبداد استعماری و تجربه رفتار روشنفکرانی که در حاشیه بلوک شرق و غرب عمل می‌کردند.

درباره تفاوت انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران گفت و گو کنید.



تفاوت انقلاب اسلامی و انقلاب‌های آزادی بخش

قرن بیستم را قرن انقلاب‌های آزادی بخش می‌دانند و انقلاب اسلامی، آخرین انقلاب قرن بیستم است. تفاوت‌ها و همانندی‌های انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های قرن بیستم چیست؟

در قرن بیستم جنبش‌های آزادی بخش در بسیاری از کشورهای جهان سوم در آفریقا، آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین شکل گرفت و بسیاری از این جنبش‌ها به انقلاب‌های اجتماعی ختم شد. جنبش‌های آزادی بخش در این قرن، جهت‌گیری ضد استعماری داشت و انقلاب اسلامی در این ویژگی با آنها مشترک است.

انقلاب‌های آزادی بخش در جهت از بین بردن سلطه سیاسی کشورهای غربی عمل می‌کردند و انقلاب ایران نیز به دنبال تغییر یک نظام سیاسی وابسته به دولت‌های غربی بود. انقلاب اسلامی ایران در ویژگی‌های زیر با انقلاب‌های آزادی بخش قرن بیستم تفاوت دارد.

● **اول:** انقلاب‌های آزادی بخش در جهان دوقطبی قرن بیستم، اغلب در رویارویی با بلوک غرب شکل می‌گرفتند و مورد حمایت بلوک شرق واقع می‌شدند. بلوک شرق علاوه بر حمایت سیاسی، مهمات و سلاح آنها را نیز تأمین می‌کرد.

انقلاب اسلامی ایران در رویارویی با رژیم شاه هیچ وابستگی به بلوک شرق نداشت؛ بلکه از آغاز، جهت‌گیری ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی را در کنار موضع‌گیری ضد مارکسیستی خود اعلان کرد. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» ناظر به این مسئله بود.



هوشی مینه، ژنرال جیاب، چه گوارا، مانو

● **دوم:** انقلاب‌های آزادی بخش، اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند. این جنبش‌ها یا سرکوب می‌شدند یا پس از چند سال مبارزه به پیروزی دست می‌یافتند. برخی از نیروهای چپ در جامعه ایران نیز با الگو گرفتن از جنبش‌های آزادی‌بخش به دنبال حرکت‌های چریکی بودند و شاه توانست همه این حرکت‌ها را سرکوب کند.

انقلاب اسلامی ایران با حرکت یک گروه و حزب خاص پدید نیامد؛ بلکه یک انقلاب فراگیر مردمی بود. این انقلاب از متن روابط مردم با مرجعیت و رهبری دینی پدید آمد و همه اقشار و گروه‌های جامعه را در بر می‌گرفت.

● **سوم:** انقلاب‌های آزادی‌بخش در چارچوب نظریه‌ها و مکاتبی شکل می‌گرفتند که در حاشیه فلسفه‌های غربی برای حل مسائل و بحران‌های جهان غرب به وجود آمده بودند. این نظریه‌ها و مکاتب از نوع نظریه‌های چپ به حساب می‌آمدند. انقلاب اسلامی ایران از متن عقاید و باورهای اسلامی مردم و بر اساس آموزه‌های فقهی و هستی‌شناسی توحیدی شکل گرفت. این انقلاب از عقبه کلامی - فلسفی و عرفانی جهان اسلام بهره می‌برد و تعلق به فلسفه‌ها و مکاتب سیاسی غرب نداشت.

انقلاب اسلامی ایران در حقیقت حاصل بازگشت جامعه به معرفت و آگاهی اسلامی، برای مقابله با آسیب‌هایی بود که از ناحیه غرب در عرصه‌های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی به وجود آمده بود.

● **چهارم:** انقلاب‌های آزادی بخش در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می‌شدند، ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند؛ بلکه از فردای پیروزی، استعمار با دست کارگزاران این انقلاب‌ها به صورتی نوین در چهره استعمار نو باز می‌گشت و این انقلاب‌ها نتوانستند جایگاه خود را از حاشیه قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان خارج کنند.

انقلاب اسلامی ایران تنها یک انقلاب سیاسی نبود؛ بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت و بیرون از دو قطبی شکل گرفت که در متن فرهنگ و تمدن غرب پدید آمده بودند. این انقلاب قطب بندی سیاسی شرق و غرب را پشت سر گذارد و یک قطب بندی جدید فرهنگی و تمدنی را به وجود آورد و خود در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.

پنج عنوان برای وجه اشتراک و وجوه افتراق انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های آزادی بخش انتخاب کنید.



انقلاب هند، الجزایر و کوبا

انقلاب اسلامی ایران،



.....

.....

.....

انقلاب اسلامی ایران تنها یک انقلاب سیاسی نبود، بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت.



.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

بیداری اسلامی



○ نخستین انقلاب

انقلاب اسلامی ایران را چگونه باید شناخت؟ برخی از دانشمندان علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران را نخستین انقلابی می‌دانند که پس از انقلاب فرانسه در سطح جهانی اتفاق افتاده است. این ادعا به چه معنایی می‌تواند درست باشد؟

در جهان دوقطبی قرن بیستم، هویت اجتماعی افراد، جنبش‌ها، گروه‌ها، انقلاب‌ها و کشورهای بر اساس نسبتی که با یکی از دو قطب بلوک شرق و غرب داشتند، شناسایی می‌شد؛ یعنی دو قطب مزبور، در حکم دو محور مختصات برای تعیین هویت‌های فردی و جمعی بودند.

اهمیت و جایگاه افراد و جنبش‌های انقلابی بر اساس دوری و نزدیکی آنها با هر یک از این دو محور مشخص می‌شد و اگر جنبش یا انقلابی خارج از دو محور مزبور شکل می‌گرفت، به آن اهمیتی داده نمی‌شد.

انقلاب اسلامی ایران نیز در این جهان، بر همین اساس شناخته می‌شد و این انقلاب —
۱۲۳



از آن جهت که یک نظام سیاسی وابسته به بلوک غرب را هدف قرار داده بود، اهمیت می‌یافت؛ اما چون به بلوک شرق وابسته نبود، از اهمیت آن کاسته می‌شد.

در جهان دوقطبی آن زمان، اگر انقلاب، رویکردی به بلوک شرق و جریان‌های چپ می‌داشت، مانعی را که آمریکا در مرزهای جنوبی شوروی ایجاد کرده بود، فرو می‌ریخت و به موازات آن، فرصت جدیدی برای اتحاد جماهیر شوروی پدید می‌آمد.

از نظر دولتمردان امریکا، انقلاب، به دلیل اینکه ارتباطی با بلوک شرق برقرار نمی‌کرد، توان مقاومت و تداوم نیز نداشت و دیر یا زود از طریق کارگزاران آن، دیگر بار، دست نیاز به سوی بلوک غرب دراز می‌کرد.

دولتمردان غربی با نگاه سیاسی خود به انقلاب اسلامی ایران، ابتدا از عمق حادثه‌ای که اتفاق می‌افتاد غافل بودند. آنها انقلاب را با موازین جهانی می‌سنجیدند که در چارچوب فرهنگ غرب شکل گرفته بود و حال آنکه انقلاب اسلامی ایران از متن فرهنگی بر می‌خاست که با هجوم همه جانبه غرب، هویت آن به چالش کشیده شده بود.

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی نبود که در چارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی و سکولار این جهان تعریف شده باشد؛ بلکه انقلابی بود که از متن آرمان‌های معنوی و توحیدی جهان اسلام برای حفظ هویت اسلامی و برای تأمین حقوق از دست رفته امت

اسلامی شکل می‌گرفت. این حقیقت در نخستین روزهای انقلاب، مورد توجه برخی از دانشمندان علوم اجتماعی قرار گرفت.

از این دیدگاه، انقلاب اسلامی با رویکرد معنوی خود نخستین انقلابی بود که بعد از انقلاب فرانسه شکل می‌گرفت؛ زیرا هیچ یک از انقلاب‌های پس از انقلاب فرانسه یک انقلاب جدید نبودند؛ بلکه همه آنها در جهت بسط و گسترش انقلاب فرانسه بوده‌اند.

انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی با آرمان‌ها و ارزش‌های مدرنی شکل گرفت که پس از رنسانس به وجود آمده بودند.

این انقلاب ابتدا در محل تولد خود، یعنی در فرانسه گرفتار مشکل شد؛ اما به زودی به صورت سلسله انقلاب‌های ۱۸۳۰ میلادی و ۱۸۴۸ میلادی حیات مجدد خود را آغاز کرد و همه کشورهای اروپا را فرا گرفت. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی روسیه نیز، انقلابی بود که گرچه با دیگر انقلاب‌های مشابه اروپایی به دلیل رویکرد چپ و سوسیالیستی تفاوت داشت، ولی با خصلت سکولار و دنیوی خود در چارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های روشنگری مدرن عمل می‌کرد. حرکت انقلابی مارکس مبتنی بر اصول و بنیان‌های تفکر مدرن بود؛ و در تعارض با آن قرار نمی‌گرفت.

انقلاب‌های آزادی‌بخش قرن بیستم^۱ نیز، تقلیدهای بدلی از انقلاب‌های مدرن بودند. فرهنگ‌هایی که در دوره استعمار مقهور و مرعوب جوامع غربی شده بودند چالش فرهنگی و تمدنی خود را از زبان و نگاه نظریه پردازان غربی تفسیر می‌کردند و راه حل آن را نیز



دانتون، مارا، روبسپیر- رهبران انقلاب فرانسه

در پیوستن به جوامعی می دیدند که در مرکز اقتصاد و سیاست دنیای غرب واقع شده بودند. انقلاب اسلامی ایران، الگوی رفتاری خود را از فقه اجتماعی و سیاسی شیعی گرفت و رفتار اجتماعی خود را نیز بر همان اساس سازمان داد.

این انقلاب با تجدید حیات معنوی و توحیدی هم از منظر دینی و فرهنگی به شناخت بحران و چالش های جهان اسلام پرداخت و هم با بازگشت به هویت اسلامی خود، فرصت جدیدی را برای جهان غرب، جهت عبور از بحران های معرفتی و معنوی آن پدید آورد.

به نظر شما مهم ترین تفاوت انقلاب فرانسه با انقلاب اسلامی ایران چیست؟



قیام ها و انقلاب های اسلامی

پیامدها و تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام چیست؟ و مهم ترین تأثیر آن کدام است؟ امام خمینی چه آینده ای را برای کشورهای مسلمان ترسیم کرده اند؟

دولتمردان و روشنفکران جهان اسلام قبل از انقلاب اسلامی ایران، اغلب با الگو قرار دادن کشورهای غربی براساس نظریه هایی که توسط مردم شناسان و جامعه شناسان غربی، در متن فرهنگ مدرن برای حل مسائل آنان شکل گرفته بود، به مسائل و مشکلات جوامع خود می نگریستند و مسائل جهان اسلام را با یکی از دو رویکرد زیر می دیدند.

در رویکرد اول، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که در اثر عقب ماندگی تاریخی برای رسیدن به جوامع غربی پیش آمده بود. در رویکرد دوم، این مسائل از نوع مشکلاتی بود که نظام سرمایه داری و لیبرالیسم غربی به وجود آورده بود. رویکرد دوم با استفاده از نظریه های چپ ارائه می شد و کسانی که این رویکرد را داشتند، از موضع اندیشه های مارکسیستی و سوسیالیستی به مبارزه با غرب سیاسی می پرداختند.

هر یک از ده ها کشور بزرگ و کوچک مسلمان در پوشش یکی از دو رویکرد مزبور، در حاشیه یکی از دو بلوک شرق و غرب قرار می گرفت.

فلسطین، نخستین قبله گاه مسلمانان، حکم قلب مجروح جهان اسلام را داشت. مردم



مسلمان این منطقه با هجوم صهیونیسم بین الملل و حمایت دولت های غربی از سرزمین خود رانده شده بودند و چگونگی برخورد جوامع اسلامی و گروه های مبارز فلسطینی نسبت به این مسئله نیز در پوشش قطب بندی مزبور قرار می گرفت.

بخشی از کشورهای که زیر نفوذ بلوک غرب بودند، دولت غاصب اسرائیل را به رسمیت می شناختند و یا در جهت سازش با آن گام بر می داشتند. بخشی دیگر که زیر نفوذ و در حاشیه بلوک شرق بودند، جبهه پایداری و مقاومت را تشکیل می دادند و گروه های مبارز فلسطینی ناگزیر به بخش اخیر ملحق می شدند. تعدادی از گروه های فلسطینی هویت مارکسیستی و تعدادی دیگر اندیشه های ناسیونالیستی داشتند.

گروه های مارکسیستی با هویت الحادی خود، جایگاهی برای باورها و اعتقادات دینی و معنوی قائل نبودند و گروه های ناسیونالیستی، از موضع قوم گرایی عربی، به اسلام می نگرستند و اسلام را از جهت اینکه پدیده ای عربی است، می پذیرفتند.

فلسطین به صورت یکی از عرصه های تقابل بلوک شرق و غرب در آمده بود، دولت اسرائیل با تسلیحات و حمایت های مالی آشکار آمریکا و انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی تجهیز می شد و جبهه مقابل با سلاح های روسی می جنگید. موشک های سام هفت روسی از سلاح های کارآمد گروه های فلسطینی بود. حضور دولت اشغالگر اسرائیل بازار فروش اسلحه را در منطقه، گرم کرده بود.

بعد از مرگ جمال عبدالناصر در زمان انورسادات دولت مصر در قرارداد کمپ دیوید، اسرائیل را به رسمیت شناخت و این مسئله به نوبه خود، موضع گروه های فلسطینی را تضعیف کرد.

وقوع انقلاب اسلامی ایران در نخستین گام، افق جدیدی را به روی جهان اسلام گشود. اهمیت انقلاب، تنها در این نبود که مهم ترین قدرت حامی اسرائیل در منطقه یعنی شاه را ساقط کرده بود؛ بلکه اهمیت انقلاب در مسیری بود که برای مبارزه با صهیونیسم ارائه می داد. انقلاب اسلامی به واسطه بازگشت به اسلام و با اتکای به فقه سیاسی و اجتماعی، مسئله اسرائیل را به عنوان مسئله جهان اسلام مطرح می کرد. بازگشت به اسلام اولاً مشروعیت قرار داد کمپ دیوید را در باور و اعتقاد مسلمانان، مخدوش کرد. ثانیاً مقاومت در برابر صهیونیسم را از موضع باور و اعتقاد اسلامی و با اتکا به ایمان به خداوند و قدرت الهی آغاز کرد. قتل انورسادات توسط اسلام خواهان مصر و شکل گیری انتفاضه و جنبش های جدید اسلامی در فلسطین، نتیجه این حرکت جدید بود.

جهاد اسلامی افغانستان در برابر حکومت وابسته به بلوک شرق، بُعد دیگری از تاثیرات انقلاب اسلامی را در جهان اسلام نشان داد.

تشکیل جبهه نجات اسلامی در ۱۹۸۹ میلادی در الجزایر و پیروزی اسلام گرایان در انتخابات ۱۹۹۰ میلادی این کشور که با حکومت نظامی و حمایت دولت های غربی، سرکوب شد، نمونه ای دیگر از جنبش های اسلامی است که در جهان اسلام تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایجاد شد.



پیمان کمپ دیوید



انورسادات



مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام، سلسله قیام‌ها و انقلاب‌های گسترده مردم در کشورهای عربی از سال ۱۳۸۹ هجری شمسی است که تاکنون به سقوط قدرت‌های سیاسی در چهار کشور عربی منجر شده است. انقلاب‌های مزبور بعد از سه دهه از انقلاب اسلامی ایران نظیر انقلاب‌هایی است که پس از گذشت چهار دهه از انقلاب فرانسه در کشورهای اروپایی رخ داد. دولت‌های غربی تلاش کردند تا این انقلاب‌ها را بخشی از فرایند غربی شدن کشورهای عربی معرفی کنند و به همین دلیل آن را بهار عربی نامیدند. اما به قدرت رسیدن اسلام‌خواهان در این کشورها نشان داد که این انقلاب‌ها حکایت از شروع بیداری اسلامی دارد.

نخستین بیدارگران در جهان اسلام، اندیشمندان و عالمانی بودند که با نظر به خطر سیاسی دولت‌های غربی، استقلال و عزت جهان اسلام را دنبال می‌کردند. آنها برای رسیدن به این منظور، به اصلاح رفتار حاکمان جوامع اسلامی می‌پرداختند.



بیداری اسلامی، حاصل انتقال بیداری از سطح نخبگان به متن مردم و فرهنگ عمومی جامعه اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران از طریق بیداری اسلامی، الگوی جدیدی را در برابر امت اسلامی قرار داده است. بیداری اسلامی اگر در سطح جوامع اسلامی تحقق پیدا کند، به سوی نظامی حرکت خواهد کرد که فارغ از قدرت‌های قومی و قبیله‌ای و الزامات امنیتی، بر



بیداری اسلامی در کشورهای عربی



مدار فقاہت و عدالت، سازمان می یابد.

امام خمینی در وصیت نامه سیاسی، الهی خود، تشکیل یک دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل را برای آینده کشورهای مسلمان ترسیم می کند.

امام خمینی در وصیت نامه سیاسی، الهی خود خطاب به همه مسلمانان و مستضعفان جهان می نویسد:

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان به پا خیزید

و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت ها و عمال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و دشمنان اسلام عزیز تسلیم می کنند، از کشور خود برانید.

خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست

گیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع، و با

دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و

به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری های آزاد

و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه

مستکبران جهان را به جای خود خواهید

نشاند و همه مستضعفان را به امامت و

وراثت ارض خواهید رساند.

به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

بیت





درباره تفاوت حرکت اجتماعی نخستین بیدارگران اسلامی و بیداری اسلامی گفت و گو کنید



○ جغرافیای فرهنگی جهان جدید

دنیای دوقطبی قرن بیستم چگونه فرو ریخت و جغرافیای فرهنگی و سیاسی جهان جدید چگونه به وجود آمد؟ قطب های اصلی این جهان کدام اند؟

انقلاب اسلامی با آنکه در ایران رخ داد و از ذخایر معرفتی و شیعی استفاده کرد، آرمان ها، ارزش ها و مسئولیت و رسالت خود را به حل چالش های جامعه ایران یا شیعیان جهان محدود نمی کرد. انقلاب بر اساس آموزه های اسلامی،

۱. از عزت و اقتدار جهان اسلام پاسداری می کرد،

۲. دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفه خود می دانست،

۳. فطرت الهی همه انسان ها را مخاطب پیام خود قرار می داد و حل مشکلات معرفتی

و معنوی بشریت را در محدوده رسالت خود می دید.

امام خمینی در نامه ای که برای گورباچوف - آخرین صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر

شوروی - نوشت از دو جریان اصلی تفکر فلسفی جهان غرب، یعنی حس گرایی و عقل گرایی

یاد کرد و با استفاده از حکمت مشاء و حکمت اشراق به اشکالاتی اشاره کرد که در محدود

کردن دانش و علم به شناخت حسی یا شناخت عقلی وجود دارد.



ایشان ضمن پیش بینی فروپاشی بلوک شرق از آنان خواست تا جهت عبور از بحران به سوی آموزه های جهان اسلام گام بردارند و بدین منظور خبرگان تیزهوش خود را جهت فراگیری حکمت و علوم اسلامی به ایران بفرستند.

انقلاب اسلامی ایران به موازات آرمان ها و ارزش هایی که داشت، حضور و تأثیرات جهانی خود را فراتر از مرزهای جهان اسلام نشان داد. بحران های عمیق معرفتی و معنوی جهان غرب و چالش های مربوط به آن با انقلاب اسلامی و شکل گیری جنبش های اسلامی فرصت بروز و ظهور یافت. انقلابی که خارج از ارزش ها و آرمان های جهان غرب شکل گرفت، شاهدهی گویا برای حضور تاریخ ساز فرهنگ های غیر غربی بود. این پدیده در تکوین یا گسترش اندیشه های پسامدرن تأثیرگذار بود.

با بیداری اسلامی رویکرد دینی و معنوی به زندگی اجتماعی در سطوح مختلف جوامع غربی به وجود آمد و بدین ترتیب، ارزش ها و آرمان های بعد از رنسانس، اعتبار جهانی خود را از دست داد و به دنبال آن نظریه هایی که ناظر به افول سکولاریسم بود شکل گرفت.



بمب های ساخت اسپانیا استفاده شده علیه ایران

انقلاب اسلامی ایران راه نوینی را فراروی کشورهای جهان سوم قرار داد. این مسیر جدید، موقعیت استوار دو قطب سیاسی قرن بیستم را در هم ریخت و قطب بندی

جدیدی را به جهان تحمیل کرد.

جهان غرب پس از توجه به عمق حادثه و قوت و توان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی، سلسله اقدامات مستمری را در قبال آن انجام داده است و مقاومت انقلاب در برابر هر یک از آن اقدامات، موقعیت تاریخی جدیدی را برای جهان اسلام پدید آورد. کودتای نوژه و به دنبال آن، هشت سال جنگ تحمیلی بر ایران از نخستین تلاش‌هایی بود که برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران انجام شد. جنگ ایران و عراق با همه جنگ‌هایی که طی قرن بیستم انجام شد تفاوت داشت.



ملاقات صدام با دونالد رامسفلد - سال ۱۹۸۳



دیدار با رهبران کشورهای عربی

در این جنگ، همه کشورهای اروپایی و بلوک شرق و غرب، وحدت راهبردی پیدا کردند. سلاح‌های روسی که ارتش عراق از قبل با آن تجهیز شده بود، با تسلیحات آمریکایی، فرانسوی و مواد شیمیایی آلمانی و دلارهای نفتی کشورهای عربی در خدمت ارتشی قرار گرفته بود که آغازگر جنگ بود. این در حالی بود که ایران در تهیه ابتدایی‌ترین تجهیزات نظیر سیم خاردار، تحریم شده بود.

مقاومت انقلاب ایران در دهه نخست موقعیت بلوک شرق را به عنوان قطب رقیب بلوک غرب متزلزل ساخت و موقعیت تاریخی جهان اسلام را به عنوان یک قطب فرهنگی تثبیت کرد. کشورهای غربی در نخستین نظریه پردازی‌های خود به دنبال آن بودند تا فروپاشی بلوک شرق را به شکل‌گیری نظم نوین جهانی بر مدار یک قطب واحد معنا کنند و نظریه

پایان تاریخ فوکویاما،^۱ همین معنا را القا می کرد. اما موفقیت انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای جهانی آن بر نظریه فوق خط بطلان کشید.

اذعان و اعتراف به حضور فرهنگی و تمدنی جهان اسلام از سوی برخی از دیگر نظریه پردازان غربی، با عنوان جنگ تمدن ها مطرح شد. این نظریه ضمن اعتراف به شکل گیری قطب بندی جدید فرهنگی و تمدنی، اولاً با طرح دیگر تمدن ها در عرض تمدن اسلامی، جایگاه برجسته و منحصر به فرد انقلاب و فرهنگ اسلامی را نادیده می گرفت. ثانیاً با طرح جنگ تمدن ها، رویکرد خصمانه جهان غرب را به جنبش های اسلامی نتیجه ورود مجدد دیگر فرهنگ ها به عرصه زندگی بشر، معرفی می کرد و از این طریق، هراسی را که پس از جنگ جهانی دوم، نسبت به بلوک شرق وجود داشت، متوجه جهان اسلام می گرداند. اقتصاد و سیاست جهان غرب در شرایط فعلی که ابعاد جهانی پیدا کرده نیازمند به مناطق پیرامونی است. انباشت ثروت جهان در دست جمعی اندک جز با فقر و وابستگی اقتصادی و سیاسی، انبوه آدمیان ممکن نیست.

دنیای غرب، صرف نظر از بحران های معرفتی و معنوی خود، برای تأمین نیازهای اقتصادی و سیاسی ناگزیر از مقابله با حرکت مستقلی است که در جهان اسلام شکل گرفته است و به این منظور فعالیت های زیر را انجام می دهد.

● **اول:** مقابله نظامی و سیاسی از طریق حضور مستقیم؛ مانند آنچه در افغانستان و عراق رخ داده است.



۱. او فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق و غلبه نظام لیبرال دموکراسی غرب را پایان مبارزات عقیدتی - سیاسی بشر می پندارد. از این نظر نظام لیبرال - دموکراسی، محصول نهایی تاریخ بشر تلقی می شود که برای آن جایگزین بهتر و مناسب تری قابل تصور نیست.



نظامیان آمریکایی در عراق و افغانستان



- **دوم:** محاصره و تحریم اقتصادی از طریق سازمان های بین المللی مانند آنچه نسبت به ایران انجام می دهد.
- **سوم:** تبلیغ معنویت های کاذب و سکولار در کشورهای غربی برای اشباع خلأ معنوی فرهنگ غرب.
- **چهارم:** تصویرسازی خشن و غیر عقلانی از فرهنگ اسلامی از طریق سازماندهی و شکل دهی جریان های تروریستی وهابی.
- **پنجم:** تفسیرهای سکولار از اسلام و حمایت از اسلام امریکایی برای بدل سازی نسبت به انقلاب اسلامی.
- **ششم:** مدیریت جنگ رسانه ای همه جانبه در برابر حرکت فرهنگی جهان اسلام.
- **هفتم:** ایجاد اختلافات فرقه ای و مذهبی برای تضعیف جهان اسلام.

درباره فرصت هایی که جهان اسلام در برابر تحیده های جهان غرب دارد تأمل کنید.





بیداری اسلامی ،

.....

.....



بیداری اسلامی حاصل انتقال بیداری از سطح نخبگان به متن مردم و فرهنگ عمومی جامعه اسلامی است .

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

۱. آریلاستر، آنتونی (۱۳۶۷) ظهور و افول لیبرالیسم. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
۲. آرت شولت، یان (۱۳۸۲) نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. آرون، ریمون (۱۳۶۴) مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۴. اشپنگلر، اسوالد (۱۳۶۹) انحطاط غرب. ترجمه هوشنگ ایرانی. نشریه فلسفه، کلام و عرفان. شماره ۳.
۵. افروغ، عماد (۱۳۸۱) رنسانسی دیگر. تهران: کتاب آشنا.
۶. امام خمینی (۱۳۶۹) آوای توحید: نامه امام خمینی به گورباچف. شرح: آیت الله جوادی آملی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. امین، سمیر (۱۳۸۹) اروپا مداری: نظریه فرهنگی سرمایه داران مدرن. ترجمه موسی عنبری. تهران: نشر علم.
۸. امینی، علیرضا (۱۳۹۱) بررسی فرصت‌ها و چالش‌های ایجاد وحدت در سایه بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم‌افزاری.
۹. برگر، پیتر و توماس لاکمن (۱۳۸۰) افول سکولاریسم. ترجمه امیری و افشار. تهران: پنگان.
۱۰. بهشتی، سید محمدرضا (۱۳۷۹) فرانسس بیکن و بحران طبیعت. فصلنامه فلسفه. پائیز.
۱۱. پارسانیا، حمید (۱۳۸۰) حدیث پیمان. چاپ پنجم. قم: دفتر نشر معارف.
۱۲. پارسانیا، حمید (۱۳۸۱) هفت موج اصلاحات. تهران: فراندیش.
۱۳. پرتو، امین (۱۳۹۱) موانع تحقق بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی. تهران: نهضت نرم‌افزاری.
۱۴. ترنر، برایان (۱۳۸۴) رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی: پست مدرنیسم و جهانی شدن. ترجمه محمد علی محمدی. تهران: شرکت نشر بادآوران.
۱۵. توحیدفام، محمد (۱۳۸۲) فرهنگ در عصر جهانی شدن. مجموعه مقالات. تهران: انتشارات روزنه.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸) ولایت فقیه و ولایت فقاقت و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵) فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶) اسلام و محیط زیست. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۹. چامسکی، نوام (۱۳۸۳) نظم‌های کهنه و نوین جهانی. ترجمه مهید ایرانی طلب. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
۲۰. حنفی، حسن (۱۳۸۹) علم غرب شناسی چیست. ترجمه سید عبدالمناف الحلو. قم: نشر ادیان.
۲۱. راپرت، مارک و همکاران (۱۳۸۴) جهانی سازی، چالش‌ها و راهکارها. ترجمه سیدهادی عربی و همکاران. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۲. رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۵) علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی نظام جهانی. چاپ دهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۲۳. رینولدز، چارلز (۱۳۸۶) وجوه امپریالیسم. ترجمه سید حسن سیف‌زاده. چاپ پنجم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۴. سرو، الوین‌ی (۱۳۷۸) تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- ۲۵. سعید، ادوارد (۱۳۸۲) فرهنگ و امپریالیسم: بررسی فرهنگی سیاست امپراطوری. تهران: نشر توس.
- ۲۶. صوفی نیارکی، تقی (۱۳۹۱) بیداری اسلامی: هویت تمدنی و چالش های پیش رو. تهران: انتشارات نهضت نرم افزاری.
- ۲۷. عزیزان، میثم (۱۳۹۱) روش الگوسازی و الگو پردازی در بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری. تهران: نهضت نرم افزاری.
- ۲۸. ۲۹. فرامرزی، مرتضی (۱۳۹۱) غفلت غربی و بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری.
- ۳۰. کچویان، حسین (۱۳۸۷) نظریه های جهانی شدن و دین. مطالعه ای انتقادی. تهران: نشر نی.
- ۳۱. کچویان، حسین (۱۳۸۷) نظریه های جهانی شدن: پیامد چالش های فرهنگ و دین. تهران: نشر نی.
- ۳۲. کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- ۳۳. کهون، لارنس (۱۳۸۱) از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
- ۳۴. گروه علوم سیاسی معاونت پژوهش مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (۱۳۸۷) استعمار فرا نو. مجموعه مقالات. قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- ۳۵. گل محمدی، احمد (۱۳۸۳) جهانی شدن: فرهنگ هویت. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- ۳۶. گنجی ارجنگی، عبدالله (۱۳۸۸) موج سوم بیداری اسلامی. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- ۳۷. گنون، رنه (۱۳۷۲) بحران دنیای متجدد. ترجمه ضیاءالدین دهشیری. چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳۸. گیدنز، آنتونی و کارون بردسال (۱۳۸۶) جامعه شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- ۳۹. ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۱) آسیب شناسی نقش شبکه های اجتماعی مجازی در جنبش بیداری اسلامی مصر. تهران: نهضت نرم افزاری.
- ۴۰. مجموعه مقالات جهانی شدن (۱۳۸۸) مجله ارغنون، شماره ۲۴.
- ۴۱. موسوی، سید مهدی (۱۳۹۱) مسئولیت های فکری نظام جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری.
- ۴۲. نجفی، محمد سجاد (۱۳۹۱) گفتمان آیت الله خامنه ای، شبکه های مجازی و تغییرات راهگشا در جریان بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری.
- ۴۳. نجفی، موسی (۱۳۹۱) نظریه بیداری اسلامی بر اساس اندیشه سیاسی آیت الله العظمی خامنه ای. تهران: نهضت نرم افزاری.
- ۴۴. نصر، سید حسین (۱۳۷۹) انسان و طبیعت: بحران معنوی انسان متجدد. ترجمه عبدالکریم گواهی. چاپ اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴۵. نگرشی موضوعی بر وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (۱۳۸۹) چاپ دوازدهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- ۴۶. واعظی، حسن (۱۳۸۱) استراتژی سلطه، تهدیدات، راهبردها، رسالت روشنفکران و آینده ایران. تهران: سروش.
- ۴۷. واعظی، حسن (۱۳۸۷) استعمار فرانو، جهانی سازی و انقلاب اسلامی. چاپ دوم. قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴۸. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۰) تمدن ها و بازسازی نظام جهانی. ترجمه مینو احمد سرتیپ. تهران: کتاب سرا.
- ۴۹. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷) جامعه شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی تبیان.
- ۵۰. یوسفی، بتول (۱۳۹۱) مبانی نظری بیداری اسلامی در قرن اخیر. تهران: نشر نهضت نرم افزاری.